

بسم الله الرحمن الرحيم

تأثیر نظم فکری بر رشد معنوی فرد

با توجه به آیات و روایات

سرور مفتاح^۱

چکیده

اسلام همواره در اجرای سبک زندگی اسلامی، فرد را به نظم در زندگی فردی و اجتماعی سفارش کرده، چرا که او قادر است به کمک نیروی اختیار خود و حول نظام تشریع، در دو بعد فکر و عمل، نظم فکری و عملی را محقق سازد. اما از آنجا که انسان دیندار بدون چراغ فکر و اندیشه قادر به پیمودن راه سعادت نیست. این تحقیق به لحاظ هدف، بنیادی و نظری است و به لحاظ محتوا از زوش توصیفی و در مواردی از تحلیل محتوا استفاده کرده و به لحاظ جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای بهره برده است. نتایج بدست آمده نشان داد که مرتب ساختن فکر و ایجاد نظم فکری حول نظام تشریع امکان‌پذیر است و ابعاد آن را باید‌ها (اوامر) الهی و نباید‌های (نواهی) الهی می‌سازند. در این راستا، تک تک باید‌های الهی از جمله (تفکر در خلقت - تفکر در نعمت‌های الهی - تفکر در احوال گذشتگان - تفکر در حقانیت رسالت پیامبران - تفکر در مرگ) در رشد معنوی فرد مؤثر و هر یک از نباید‌های الهی همچون (تفکر در ذات خداوند - تفکر در غیر حکمت - تفکر در گناه و لذائذ) مانع رشد معنوی فرد شناخته شدند و نهایتاً روشن شد نظم فکری بر رشد معنوی فرد مؤثر است.

واژگان کلیدی: رشد، رشد معنوی، معنوی، نظم، نظم فکری.

۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه بانوامین علیه السلام Hnnankz13@gmail.com

مقدمه

اساساً هستی بر اساس نظم آفریده شده و شامل دو نظم تکوینی و تشریعی است. در تبیین جایگاه نظم همین بس که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در واپسین روزهای زندگی شریفشان در کنار تقوای الهی به نظم سفارش می‌کنند و از آنجا که فرد مؤمن همواره تلاش دارد تا در مسیر رشد و کمال کوتاه‌ترین راه بپیماید و اسلام نیز، نظم را عاملی برای دسترسی سریع به اهداف می‌داند پس نظم می‌تواند به مدد او آمده و بعنوان کوتاه‌ترین راه او را به مقصدش برساند. حال با توجه به این که انسان در دو بعد فکر و عمل صاحب اختیار است، در اینجا به این سؤال می‌رسیم که نظم فکری چگونه می‌تواند انسان را به رشد معنوی برساند؟ که در راستای پاسخ به این سؤال به دو سؤال دیگر پاسخ می‌دهیم: (۱) تأثیر اوامر (بایدهای) الهی در زمینه‌ی فکر بر رشد معنوی چگونه است؟ (۲) تأثیر نواهی (نبایدهای) الهی در زمینه‌ی فکر بر رشد معنوی چگونه است؟ به جهت پاسخ به این سؤالات به منابع دست اول علوم قرآن و حدیث رجوع شده خصوصاً تفاسیر معاصر شیعی و در ادامه با بررسی کتاب‌ها و مقالات دریافتیم که در زمینه‌ی نظم، گروه معارف مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما در کتاب (نظم و انضباط) به نظام هستی و قوانین حاکم بر آن پرداخته‌اند و بیان می‌کنند که با نگاهی دقیق به اطرافمان در می‌یابیم که خداوند هر چیز را در جای خودش نهاده و هر پدیده‌ی جهان هستی، نشانه‌ی آشکار بر نظم و انتظام عالم هستی است، همچنین نظم و انضباط را کوتاه‌ترین راه و بی‌خطرترین راه در مسیر تکامل انسان می‌دانند. آقایان زاهد هاشمیان فرد و مجید ابراهیمی در مقاله‌ی (مقایسه‌ی آرای مفسران در مورد مدیریت فرهنگی و توسعه‌ی فرهنگ نظم و انضباط در قرآن) (مجله‌ی مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی سال دوم، پائیز و زمستان ۱۳۹۶، ج ۴) نقش نهادهای فرهنگی در توسعه‌ی فرهنگ نظم و انضباط را بیان می‌کنند و در ادامه می‌گویند: مفسران قرآن کریم معتقدند آیاتی که درباره‌ی قوانین و مقررات الهی نازل شده‌اند باعث برقراری نظم در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان شده و در توسعه‌ی فرهنگ نظم و انضباط نقش دارند بنابراین رویکرد این مقاله بررسی نظرات مفسرین در زمینه‌ی نقش نظم در توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی است. اکبر محمدی در مقاله‌ی (نظم فکری و جایگاه آن در اسلام) (محل انتشار: اولین کنفرانس بین المللی دین، معنویت کیفیت زندگی، ۱۳۹۸) به تبیین نظم فکری و تأثیر آن در سعادت و کمال فردی و اجتماعی می‌پردازد. ایشان در این مقاله به نظم فکری در (تفکر، عبادت، علم‌آموزی) و مطالعه‌ی نظم فکری در (تولید) پرداخته که اینها همگی به مقوله‌ی نظم بطور کلی وارد شده‌اند چنانکه هر پدیده‌ی

منظمی را نشانه‌ای برای نظم عالم هستی دانسته‌اند. اما در این مقاله محقق به دنبال نظم فکری حاصل از نظام تشریع است و در جایی نظم را عامل توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی می‌دانند و در این مقاله محقق نظم را عامل رشد معنوی معرفی می‌نماید و حتی به نظم فکری در ابعاد تفکر و عبادت و علم‌آموزی پرداخته‌اند که بیشتر حول تمرکز فکری شکل می‌گیرد در حالی که نظم فکری در مقاله‌ی حاضر حول محور نظام تشریع شکل می‌گیرد و انسان را در مسیر رشد معنوی قرار می‌دهد. حال محقق به جهت پاسخگویی به این سؤال (تأثیر نظم فکری بر رشد معنوی فرد با توجه به آیات و روایات) و با هدف بررسی تأثیر ابعاد مختلف نظم فکری در رشد معنوی فرد، نظم فکری را مرتب ساختن فکر حول نظام تشریع دانسته و با تأمل در ادبیات دینی و جستجو در آیات و روایات به بررسی نظام تشریع که شامل بایدها و نبایدهای الهی است پرداخته و تأثیر تک تک این بایدها و نبایدهای الهی را بر رشد معنوی فرد جویا شده است. که در این راستا ابتدا نظم را در معنای لغوی و اصطلاحی معنا کرده و سپس دو نظم تکوینی و تشریعی را تعریف و در دو بعد اختیار انسان حول نظام تشریع به دو نظم فکری و عملی می‌رسد و به جهت بررسی تأثیر نظم فکری بر رشد معنوی فرد اوامر (بایدهای) الهی از جمله (تفکر در خلقت، تفکر در نعمت‌های الهی، تفکر در احوال گذشتگان، تفکر در حقانیت رسالت پیامبران، تفکر در مرگ) و نواهی (نبایدهای) الهی همچون (تفکر در ذات خداوند، تفکر در غیر حکمت، تفکر در گناه و لذائذ) را در نظر گرفته و تأثیر هر یک از آنها را بر رشد معنوی پی‌گیرد که در نهایت به این نتیجه می‌رسد که نظم حاصل از نظام تشریع بر رشد معنوی فرد مؤثر است.

۱- مفهوم شناسی

در اینجا به ارتباط معانی و واژه‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱- نظم

به جهت دستیابی تعریف صحیح از نظم به تعریف نظم در لغت و اصطلاح می‌پردازیم.

۱-۱-۱- نظم در لغت

نظم از ریشه‌ی (ن ظ م) به معنای الفت دادن، گردآوری کردن است. (نظمتُ الحرز) یعنی مهره‌ها را جمع‌آوری کردم. (نظمت الشعر) هم به همین معناست. نظام نخی است که مهره‌ها را کنار هم جمع می‌کند. (جاءنا نظم من الجراد) یعنی تعداد زیادی ملخ پیش ما آمد.^۱

نظم در معنای دیگری بدین صورت آمده است (ریشه‌ی نظم به معنای مستقیم کردن راه است، نظم دادن مهره‌ها کنار هم و به نظام در آوردن آن‌ها به همین معناست).^۲

همچنین در جای دیگری اینگونه معنا شده است (به معنای نخ کردن، به رشته در آوردن (مروارید را)، مرتب کردن، منظم کردن، آراستن، ترتیب دادن و به نظم در آوردن ... و به ردیف چیدن و...)^۳.

به نظر می‌رسد وجه مشترک همه‌ی این معانی، مرتب کردن و چیدن حول محور نظامی، می‌باشد. همچون مرتب کردن و چیدن مهره‌ها حول نظام (نخ).

۱-۱-۲- نظم در معنای اصطلاحی

واژه‌ی نظم در قرآن و روایات نیز، به همان معنای لغوی بکار رفته است، که در ریاض السالکین به معنای: «انس برقرار کردن و گردآوری کردن، ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر، دانه‌های مروارید را جمع کرد و بین آنها در یک مسیر الفت ایجاد کرد و به آنکه این عمل را انجام می‌دهد نظام (نخ) می‌گویند»^۴ آمده است.

۱. ابن فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۹۶۰.

۲. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۱۰۸۹.

۳. آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۶۹۹.

۴. حسینی مدنی شیرازی، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین، ج ۳، ص ۵۴۰.

و در تعریف نظام نیز آمده است که «النظام، مفرد نُظْم و أَنْظَمَة»؛ نخی که مروارید و غیره با آن به نظم کشیده می‌شوند، قوام هر چیزی، مجموعه‌ی اوامر و نواهی و ارشاداتی که در کاری معین طریقه و شیوه‌ای که پیروی از آن واجب است را معلوم می‌کند، مانند نظام اقتصادی و نظام اداری.^۱

پس در اصل خداوند که عالم هستی را بر اساس نظم خلق نموده، انسان مختار را که جزئی از این عالم هستی است، بواسطه‌ی اوامر و نواهی خویش از بند هرج و مرج رها ساخته و به او در نظم دادن به امور خود و قرار دادن هر امری در جایگاه خودش یاری رسانده بدین صورت که انسان مختار، حول محور اوامر و نواهی الهی امور خویش را نظم داده و مرتب می‌سازد.

۲-۱- انواع نظم

خداوند متعال، عالم را بر اساس نظم خلق کرده و هر نظامی حول نظامی شکل می‌گیرد و بر این عالم دو نظام تکوین و تشریع حاکم است.

۱-۲-۱- نظم تکوینی

نظمی که حول نظام تکوین شکل می‌گیرد، نظم تکوینی خوانده می‌شود که: «نظم تکوینی حاصل از نظام تکوین که همان قوانین و وظایف و مسئولیت‌هایی است که از سوی خلقت بر آدمی فرمانروایی می‌کند و ربطی به حوزه‌ی اختیاری بشر ندارد.»^۲

۲-۲-۱- نظم تشریعی

نظمی که حول نظام تشریع شکل می‌گیرد، نظم تشریعی خوانده می‌شود که این: «نظم تشریعی حاصل از نظام تشریع است (که همان قوانینی است که به حوزه‌ی فعالیت‌های اختیاری بشر مربوط است و باید با اختیار خود این تکالیف را انجام دهد).»^۳

بنابراین «خداوند متعال همه‌ی موجودات را آفرید و سپس با نظم و تدبیر کامل و حکمت تمام جریان و امور و بقاء و زندگی آنها را معین نموده و مطابق همین برنامه و نظم تکوینی، برای نوع انسان برنامه‌ی تکلیفی و تشریعی مخصوصی معین نموده»^۴

۱. حسینی، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی عربی - فارسی، ص ۵۳۳.

۲. حسینی دشتی، معارف و معاریف (دائرة المعارف جامع اسلامی)، ج ۶، ص ۵۸۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۶۵۷.

۴. مصطفوی، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ص ۲۶۸.

اتاق زیبا و رنگ‌آمیزی شده آتش روشن کند. در این صورت هرچند ممکن است خانه در آتش نسوزد لکن دست کم دود آنرا سیاه و خراب می‌کند»^۱.

در نهایت از این آیات و روایات نتیجه‌ای بر این مبنا حاصل می‌شود که باید فکر را از وسوسه‌های شیطان که همان فکر در لذّات و گناهان است حفظ کرد تا عمل و رفتار انسان آلوده به گناه نشود.

۱-۳-۲-۴- تفکر در گناه و لذائذ و تأثیر آن بر رشد معنوی فرد

با توجّه به آیات و روایات، وسوسه‌های شیطانی در کمین‌اند تا در انسان نفوذ کنند و یکی از این راه‌های نفوذ راه تفکر است و از آنجا که شروع هر امری با تفکر است پس اگر انسان به تفکر در گناه و لذائذ آلوده شود شروعی است برای قدم نهادن در مسیر گناه و خطا که این مسیر در مقابل مسیر رشد و کمال قرار دارد. چنانکه علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که نیکو اندیش باشد، دستخوش لغزش نمی‌شود»^۲. حال که اندیشه در نیکی‌ها و حسنات مانعی برای لغزش معرفی شده پس تفکر در گناه و لذائذ مانع رشد معنوی و موجب لغزش است.

۱. همان، ص ۲۹۴.

۲. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۷۴؛ «صواب الراي یومن الزلل»

نتیجه‌گیری

در این مقاله با عنوان «تأثیر نظم فکری بر رشد معنوی فرد با توجه به آیات و روایات» نتایج ذیل حاصل گردید:

با توجه به معنای رشد معنوی مبنی بر اینکه انسان در مسیری قرار می‌گیرد که هدف آن قرب الهی و رنگ خدائی یافتن است و نظم فکری از بایدها و نبایدهای الهی نشأت می‌گیرد و بایدهای (اوامر) الهی در زمینه‌ی فکر عبارتند از (تفکر در خلقت، تفکر در نعمت‌های الهی، تفکر در احوال گذشتگان، تفکر در حقانیت رسالت پیامبران، تفکر در مرگ) که هر کدام به تنهایی موجب قرار گرفتن فرد در مسیر رشد معنوی می‌شوند و نبایدهای (نواهی) الهی عبارتند از (تفکر در ذات خداوند، تفکر در غیر حکمت، تفکر در گناه و لذائذ) که یک به یک زمینه‌ی انحراف فرد از رشد معنوی را فراهم می‌کنند و مانع رشد معنوی او می‌شوند پس در نهایت باید گفت نظم فکری مشتمل بر یایدها و نبایدهای الهی در حیطه اندیشه در رشد معنوی فرد مؤثر واقع می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

کتب:

- ۱) آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر (عربی - فارسی)، تهران: نی، ۱۳۷۹.ش.
- ۲) آقا جمال خوانساری، محمدبن حسین، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.ش.
- ۳) تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ترجمه‌ی تصنیف غررالحکم، محقق: مصطفی درایتی، مشهد: ضریح آفتاب، ۱۳۸۱.ش.
- ۴) _____، غررالحکم و دررالکلم، مترجم: رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.ش.
- ۵) _____، _____، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۳.ش.
- ۶) جبران، مسعود، فرهنگ الفبائی رائد (عربی - فارسی)، مترجم: رضا ترابی نژاد، مشهد: به نشر (وابسته به آستان قدس رضوی)، ۱۳۹۳.ش.
- ۷) جمعی از فضلاء و اندیشمندان، تفسیر نمونه، مکان: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.ش.
- ۸) خسروی حسینی، غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (راغب اصفهانی)، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴.ش.
- ۹) حسینی، محمد، فرهنگ لغات و اصلاحات فقهی (عربی - فارسی)، تهران: سروش، ۱۳۸۲.ش.
- ۱۰) حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف (دائرة المعارف جامع اسلامی)، تهران: آرایه، ۱۳۸۵.ش.

۱۱) حسینی مدنی شیرازی، علی خان بن احمد، **ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالسادین**، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم - مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹ ه.ق.

۱۲) دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه فارسی**، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ ه.ش.

۱۳) زکریا، احمد ابن فارس، **ترتیب مقایسی اللغه**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ه.ش.

۱۴) طباطبائی، محمدحسین، **ترجمه‌ی خلاصه تفسیر المیزان**، تهران: اسلام، ۱۳۷۸ ه.ش.

۱۵) فراهیدی، خلیل ابن احمد، **العین**، تهران: اسوه، ۱۴۳۲ ه.ق.

۱۶) فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه، ۱۳۶۸ ه.ش.

۱۷) فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، **نوادر الاخبار فیما يتعلق باصول دین**، محقق: مهدی

انصاری قمی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی - مؤسسه تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲ ه.ش.

۱۸) قیّم، عبدالنبی، **فرهنگ معاصر میانه (عربی - فارسی)**، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۴ ه.ش.

۱۹) قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۸ ه.ش.

۲۰) کلینی، محمدبن یعقوب، **اصول کافی**، تهران: جهان آراء، ۱۳۸۷ ه.ش.

۲۱) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحارالانوار (۱۱ جلدی)**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق - ۱۹۸۳ م.

۲۲) مطهری، مرتضی، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران: صدرا، ۱۳۸۲ ه.ش.

۲۳) مکارم شیرازی، ناصر، **برگزیده‌ی تفسیر نمونه (۵ جلدی)**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ه.ش.

۲۴) منسوب به امام ششم حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، **مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه**،

مترجم و شرح: حسن مصطفوی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ه.ش.

۲۵) نیشابوری، مسلم، **صحیح مسلم**، بیروت: دارالفکر، ۱۳۸۲ ه.ش - ۱۴۲۴ ه.ق - ۲۰۰۳ م.

سایت

۲۶) بیانات رهبر در دیدار مسئولان و مدیران مطبوعات کشور، ۱۳/۰۳/۱۳۷۵.

مجله

(۲۷) بروجردی، محمود، مجله پاسدار اسلام، ش ۲۴، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.